

مقدمه

منظور از قالب یک شعر، شکل آرایش مصرع ها و نظام قافیه آرایبی آن است. شعر به مفهوم عام خود نه در تعریف می گنجد و نه در قالب، ولی شاعران و مخاطبان آنها، به مرور زمان به تفاهم هایی رسیده اند و شکلهایی خاص را در مصراع بندی و قافیه آرایبی شعر به رسمیت شناخته اند. به این ترتیب در طول تاریخ، چند قالب پدید آمده و ؛ شاعران کهن ما کمتر از محدوده این قالبها خارج شده اند. فقط در قرن اخیر، یک تحوّل جهش وار داشته ایم که اصول حاکم بر قالبهای شعر را تا حدّ زیادی دستخوش تغییر کرده است.

قالب شعر به شکل شعر گفته می شود که بر دو نوع است :

شکل ظاهری و شکل درونی (یا شکل ذهنی). شکل ظاهری که شامل وزن یا بی وزنی، تساوی مصرعها و یا کوتاهی و بلندی آنها، قافیهها ؛ - در صورتی که قافیه ای وجود داشته باشد - و صداها و حرکات ظاهری کلمه می شود .
قالب در شعر کلاسیک فارسی، شکل ظاهری است که قافیه به شعر می بخشد. طول هر مصرع، چیدمان هجاهای هر مصرع، تعداد ابیات، آرایش مصرعها، قافیه آرایبی آنها و حتی عاطفه انتقالی شاعر به خواننده دیگر عوامل تعیین کننده قالب ظاهری شعرند.

بیت : کمترین مقدار شعر یک بیت است .

مصراع : هر بیت شامل دو قسمت است هریک از این بخش ها یک مصراع نام دارد کمترین مقدار سخن موزون یک مصراع است .

وزن شعر : آهنگ خاصی که در تمام مصراعهای یک شعر یکسان است همان وزن شعر نامیده می شود .

ردیف : کلمات هم معنی و مستقلى که در پایان مصراعها عیناً تکرار می شود ردیف نام دارد. شعری که ردیف دارد (مردّف) خوانده می شود .

قافیه : کلمات هم آهنگ و هم وزن مصراعهای شعر را قافیه گویند.

ای ساریان آهسته ران کارام **جانم می رود** وان دل که با خود داشتم با **دلستانم می رود**
قافیه **ردیف**

قافیه اجباری و ردیف اختیاری است ،ردیف همواره تابع قافیه است و بعد از آن می آید .

مصرّع : بیتی که هر دو مصراع آن قافیه داشته باشد مصرّع نام دارد .

قالب : شکلی که قافیه به شعر می بخشد قالب نام دارد . (شعر سنتی قالب های متفاوتی دارد و شعر نیمایی (نو) قالب مشخصی ندارد.

قالب های شعری سنتی:

مثنوی :

شعری است بر يك وزن با بیت های مصرع ، که هر بیت قافیه ای جداگانه دارد . و چون هر بیت دارای دو قافیه است آن را مثنوی (مزدوج یا دوتایی) نامیده اند . شعری که در آن هر بیت قافیه هایی مستقل و جدا از ابیات دیگر داشته باشد مثنوی ، یا دوگانی نام دارد .

مثنوی به سبب امکان نوکردن قافیه در هر بیت برای سرودن منظومه های بلند مناسب تر است. مثنوی از قدیمترین قالبهای شعر

فارسی و مخصوص زبان فارسی است و در همه ادوار از آن استفاده می شده است.

موضوع مثنوی:

حماسی و تاریخی : شاهنامه فردوسی، اسکندر نامه نظامی

اخلاقی و تعلیمی: بوستان سعدی

عاشقانه و بزمی: خسرو شیرین نظامی، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

عارفانه : مثنوی معنوی مولانا ، منطق الطیر ، عطار نیشابوری

شکل گرافیکی قالب مثنوی :

-----* -----*
-----+ -----+
-----# -----#
-----& -----&

و یا:

مثنوی را می توان به شکل زیر تصویر کرد :

الف..... الف.....
ب..... ب.....
ج..... ج.....
د..... د.....

سرودن مثنوی از قرن سوم و چهارم هجری آغاز شده است که از بهترین مثنوی ها می توان به شاهنامه فردوسی، حدیقه سنایی، خمسه نظامی و مثنوی مولوی اشاره کرد .

مشخصات مثنوی:

۱- تعداد ابیات مثنوی حداقل دو بیت است و حداکثر برای آن وجود ندارد.

۲- مثنوی مناسب ترین قالب برای بیان داستان ها و مطالب طولانی از جمله تواریخ و قصص است.

۳- موضوع و درون مایه مثنوی حماسی ، تاریخی ، اخلاقی ، تعلیمی ، عاشقانه ، بزمی و عارفانه است.

مشهورترین مثنوی سرایان عبارتند از : فردوسی ، نظامی ، اسدی توسی ، مولوی ، عطار ، سعدی ، سنایی ، جامی ، پروین اعتصامی و شهریار.

نمونه ای از مثنوی از بوستان سعدی

حکایت

یکی گریه در خانه زال بود	که برگشته ایام و بد حال بود
روان شد به مهمان سرای امیر	غلامان سلطان زدند شر به تیر
چکان خونش از استخوان می دوید	همی گفت و از هول جان می دوید
اگر جستم از دست این تیر زن	من و موش و ویرانه پیر زن

غزل :

"غزل" در لغت به معنی "حدیث عاشقی" است. در قرن ششم که قصیده در حال زوال بود "غزل" پا گرفت و در قرن هفتم رسماً قصیده را عقب راند و به اوج رسید. در قصیده موضوع اصلی آن است که در آخر شعر "مدح" کسی گفته شود و در واقع منظور اصلی "ممدوح" است اما در غزل "معشوق" مهم است و در آخر شعر شاعر اسم خود را می آورد و با معشوق سخن می گوید و راز و نیاز می کند. این "معشوق" گاهی زمینی است اما پست و بازاری نیست و گاهی آسمانی است و عرفانی .
ابیات غزل بین ۵ تا ۱۰ بیت دارد و دو مصراع اولین بیت و مصراع دوم بقیه ابیات هم قافیه اند.
شعری است بر يك وزن و يك قافیه به طوري که مصراع اول بیت نخست ، با همه ي مصراع هاي دوم ابیات دیگر هم قافیه باشد .
تذکر : نحوه ي تکرار قافیه در غزل همانند قصیده است.

موضوع غزل :

درون مایه غزل عاشقانه، عارفانه یا آمیزه های از این دو است و یا مضمونی اجتماعی دارد. (بیان عواطف و احساسات وصف طبیعت یا گفت و گو از ایام جوانی)
پیدایش غزل : غزل در قرن ۶ هجری قمری رواج یافت بدین گونه که تغزل قصاید به صورت قالبی مستقل درآمد و غزل نام گرفت.
محتوای غزل در آغاز عاشقانه بود سپس عارفانه (قرن ۷ و ۸) و بدنبال آن در دوره مشروطیت جنبه اجتماعی به خود گرفت . غزل در روزگار ما نیز همواره از قالبهای درجه اول و محبوب شعر فارسی بوده است .
تخلص شاعری : شاعر در پایان غزل نام خود یا تخلص شاعری خویش را می آورد .
غزل سرایان بزرگ شعر فارسی: شهریار- هراتی . رهی معیری . صائب تبریزی . حافظ . سعدی . مولوی . سنایی غزنوی

شکل گرافیکی قالب غزل:

-----* -----*
-----* -----*

و یا :

الف..... الف.....
ب..... الف.....
ج..... الف.....

مشخصات غزل:

- ۱- تعداد ابیات غزل حداقل پنج بیت و حداکثر دوازده بیت است . (گاهی غزل ها بیش از پانزده بیت هم یافت می شود) .
- ۲- درون مایه و محتوای غزل بیان عواطف و احساسات ، عشق و عرفان و گاهی هم مضمون اجتماعی می باشد.
- ۳- بیت اول غزل را مطلع بیت آخر آن را مقطع گویند . (که هر کدام اگر به خوبی مطرح شوند حسن مطلع و حسن مقطع نام می گیرند) .
- ۴- در غزل تنوع مطالب ممکن است . (یعنی موضوع هر بیت می تواند با ابیات دیگر فرق داشته باشد) .
- ۵- غزل از قرن ششم به وجود آمده است . (در واقع همان تغزل قصیده است) از آغاز پیدایش ، عاشقانه

و با ظهور سنایي عارفانه مي شود (.
۶- با ظهور انقلاب مشروطه ، غزل مضمون اجتماعي نیز به خود مي گيرد .
نکته : غزل عاشقانه را سعدي و غزل عارفانه را مولوي به اوج خود رساندند
حافظ که سر آمد غزل سرايان شعر فارسي است ، شیوه ي عاشقانه - عارفانه را به کمال رساند .
مشهورترین غزل سرايان عبارتنداز : حافظ ، سعدي ، مولوي ، صائب تبريزي ، عراقي ، فرخي يزدي ،
رهي معيري ، شهریار و ...

فرق غزل و قصیده:

۱- از نظر تعداد ابیات

۲- درون مایه و محتوای

۳- وحدت موضوع نکته : اگر شاعر بیت نخست مطلع غزل و قصیده خود را زیبا و دلپسند بیاورد ، از آن به حسن مطلع تعبیر مي شود به طوري که شنونده براي شنیدن باقي سخن تشويق گردد.

نکته : اگر شاعر بیت آخر شعرش را (معمولاً قصیده یا غزل) به نحوي شیوا و دلنشین بیاورد که به عنوان حسن ختام در روح شنونده و خواننده اثر نیک و خوش باقي بگذارد ، از آن به حسن مقطع تعبیر مي شود.

نمونه ای از غزل حافظ :

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
دل بی تو به جان آمد وقت است که بازایی
دایم گل این بستان شاداب نمیماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
دیشب گله زلفش با باد همی کردم
گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی
صد باد صبا این جا با سلسله میرقصند
این است حریف ای دل تا باد نپیمایی
مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد
کز دست بخواهد شد پایاب شکیبایی
یا رب به که شاید گفت این نکته که در عالم
رخساره به کس ننمود آن شاهد هرجایی
ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی
ای درد توام درمان در بستر ناکامی
و ای یاد توام مونس در گوشه تنهایی
در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم
لطف آن چه تو اندیشی حکم آن چه تو فرمایی
فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست
کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی

زین دایره مینا خونین جگرم می ده
تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی
حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد
شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی

قصیده :

شعری است که مصراع اول و مصراعهای زوج آن با هم هم قافیه است و تعداد ابیات آن از پانزده بیت بیشتر است (تا هفتاد و هشتاد بیت)

موضوع قصیده: غالباً ستایش ، نکوهش وصف طبیعت با مسائل اخلاقی است .

هر قصیده چهار بخش دارد :

(الف) تغزل : مقدمه قصیده است بامضامینی چون عشق ، یاد جوانی و وصف طبیعت

(ب) تخلص: رابطه میان مقدمه باتنه اصلی قصیده است.

(ج) تنه اصلی: مقصود اصلی شاعر با محتوایی چون مدح ، رثا، پند و اندرز، عرفان ، حکمت و ...

(د) شریطه: دعای جاودانگی ممدوح در پایان قصیده است.

مطلع: بیت اول قصیده را گویند .

مقطع: بیت آخر قصیده را گویند. به گفته ای قصیده مهمترین قالب شعری است چون میزان قوت و توانمندی شاعر را در شاعری می سنجد .

قصیده سرایان بزرگ شعر فارسی: رودکی ، فرخی سیستانی ، منوچهری، ناصر خسرو، مسعود سعد سلمان، انوری ، خاقانی
قائمی، ملک الشعراء بهار، دکتر مهدی حمیدی ، امیری فیروزکوهی، و مهرداد اوستا

شکل گرافیکی قالب قصیده همانند غزل است.

نمونه ای از قصیده

قصیده "بهاریه" فرخی شامل صد و بیست و پنج بیت و در مدح سلطان محمود غزنوی است که برای

نمونه ابیاتی از آن نقل می شود :

بهار تازه دمید، ای به روی رشک بهار

بیا و روز مرا خوش کن و نبید بیار

همی به روی تو ماند بهار دیبا روی

همی سلامت روی تو و بقای بهار

رخ تو باغ من است و تو باغبان منی

مده به هیچکس از باغ من، گلی، ز نهار !

به روز معرکه، بسیار دیده پشت ملوک

به وقت حمله، فراوان دریده صف سوار

همیشه عادت او بر کشیدن اسلام

همیشه همت او نیست کردن کفار

عطای تو به همه جایگه رسید و، رسد

بلند همت تو بر سپهر دایره وار

کجا تواند گفتن کس آنچه تو کردی

کجا رسد بر کردارهای تو گفتار؟

تو آن شهی که ترا هر کجا شوی، شب و روز
همی رود ظفر و فتح، بر یمین و یسار
خدایگان جهان باش، وز جهان برخوردار
به کام زی و جهان را به کام خویش گذار

طول قصیده از ۱۵ بیت تا ۶۰ بیت می تواند باشد .

دوبیتی

قالب شعری است که از دو بیت با قافیه هایی در مصراعهای اول، دوم و چهارم درست شده است .
- وزن دوبیتی: وزن دوبیتی معمولاً مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن است و با رباعی فرق دارد .
- روش تشخیص رباعی از دو بیتی : ۱- وزن ۲- موضوع
- دوبیتی را در فارسی ((ترانه)) هم می گویند.
- موضوع دوبیتی : موضوع دوبیتی عارفانه و عاشقانه است.
- دوبیتی را بهترین قالب شعری در نزد روستائیان خوش ذوق و خوش لهجه است.
- معروفترین شاعران دوبیتی گو: بابا طاهر عریان و فایز دشتستانی
- شکل گرافیکی قالب دوبیتی : دو بیت هم وزن است که از نظر شکل قافیه همانند رباعی است .
نمودار دوبیتی:

**
**

نمونه:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد هر آنچه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

رباعی :

"رباعی" از کلمه ی "رباع" به معنی "چهارتایی" گرفته شده است .
"رباعی" شعری است چهار مصراع که بر وزن "لا حول و لا قوة الا بالله" سروده می شود.
سه مصراع اول رباعی تقریباً مقدمه ای برای منظور شاعر هستند و حرف اصلی در مصراع چهارم گفته می شود .
قالبی ویژه ی شعرهای ایرانی است که چهار مصراع دارد و معمولاً مصراع سوم آن قافیه ندارد. محتوای رباعی ها بیشتر عارفانه، عاشقانه یا فلسفی است. خیام بزرگترین رباعی سرای جهان است .

شکل رباعی

-----x -----x
----- -----x

نمونه هایی از رباعی :

هر سبزه که بر کنار جویی رسته است گویی ز لب فرشته خویی رسته است
پا بر سر سبزه تا به خواری نهدی کان سبزه ز خاک لاله رویی رسته است (خیام)

ترجیع بند :

غزل هایی است هم وزن با قافیه های متفاوت که بیت یکسان مُصرّعی آنها را به هم می پیوندند. به هر

غزل یک «خانه» یا «رشته» و به بیت تکراری میان آنها «ترجیع» یا «برگردان» می‌گویند. قالب ترجیع بند ویژه‌ی شعر فارسی است. درون مایه‌های ترجیع بند عشق، مدح و عرفان است.

شکل ترجیع بند

```

-----x -----x
-----x -----x
-----x -----x
-----# -----#
-----# -----#
-----+ -----+
-----+ -----+
-----+ -----+
-----# -----#
-----# -----#

```

نمونه‌ای از ترجیع بند از دیوان سعدی

دردا که به لب رسید جانم ----- آوخ که ز دست شد عنانم
 کس دید چو من ضعیف هرگز ----- کز هستی خویش در گمانم
 پروانه ام اوفتان و خیزان ----- یکبار بسوز و وارهانم
 گر لطف کنی به جای اینم ----- ورجور کنی سرای آنم
 بنشینم و صبر پیش گیرم ----- دنباله کار خویش گیرم
 زان رفتن و آمدن چگویم ----- می آیی و می روم من از هوش
 یاران به نصیحتم چه گویند ----- بنشین و صبور باش و مخروش
 ای خام، من این چنین در آتش ----- عییم مکن ار برآورم جوش
 تا جهد بود به جان بکوشم ----- و آنکه به ضرورت از بن گوش
 بنشینم و صبر پیش گیرم ----- دنباله ی کار خویش گیرم
 ای بر تو قبای حسن چالاک ----- صد پیرهن از جدائیت چاک
 پیشت به تواضع است گویی ----- افتادن آفتاب بر خاک
 ما خاک شویم و هم نگردد ----- خاک درت از جبین ما پاک
 مهر از تو توان برید هیهات ----- کس بر تو توان گزید حاشاک
 بنشینم و صبر پیش گیرم ----- دنباله ی کار خویش گیرم

مستزاد:

شعری است که به آخر هر مصراع آن واژه یا واژه‌هایی افزوده شود. افزوده‌های مصراع پیشین و یا پسین خود را کامل می‌کنند.

هرکه گدای در مُشکوی توست پادشاست
 شه که به همسایگی کوی توست چون گداست

قطعه: شعری است حداقل دو بیت که معمولاً مصراع‌های زوج آن هم قافیه است. محتوای قطعه بیشتر اخلاقی، اجتماعی، آموزشی و تعلیمی، مدح و هجو است.
 شکل قطعه

-----x
 -----x
 -----x
 -----x

"قطعه" شعری است که معمولاً مصراع های اولین بیت آن هم قافیه نیستند ولی مصراع دوم تمام ادبیات آن هم قافیه اند. طول قطعه دو بیت یا بیشتر است. قطعه را بیشتر در بیان مطالب اخلاقی و تعلیمی و مناظره و نامه نگاری بکار می برند. قدیمی ترین قطعه ها مربوط به ابن یمین است و از بین شاعران معاصر پروین اعتصامی نیز بیشتر اشعارش را در قالب قطعه سروده است. پروین اعتصامی مناظره های زیادی در قالب قطعه دارد از قبیل مناظره نخ و سوزن، سیر و پیاز و

شکل تصویری قطعه به شکل زیر است :
 علت اسم گذاری قطعه این است که شعری با قالب قطعه مانند آن است که از وسط یک قصیده برداشته شده باشد و در واقع قطعه ای از یک قصیده است .
 نشنیده ای که زیر چناری کدوبنی ----- بررست و بردمید بر او بر، به روز بیست
 پرسید از چنار که تو چند روزه ای؟ ----- گفتا چنار سال مرا بیشتر ز سی است
 خندید پس بدو که من از تو به بیست روز ----- برتر شدم بگوی که این کاهلیت چیست؟
 او را چنارگفت که امروز ای کدو ----- باتو راهنوز نه هنگام داوری است
 فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان ----- آنکه شود پدید که نامرد و مرد کیست!!! (انوری)

مُسَمَّط :

شعری است که از رشته های گوناگون پدید می آید. قافیه ی رشته ها متفاوت است و در هر رشته همه ی مصراع ها به جز مصراع آخر هم قافیه اند. به هر بخش رشته می گویند و به مصراع آخر هر رشته، بند گویند. در ضمن تمام بندها با هم هم قافیه می باشند .
 شکل مسمط

-----+ -----+
 رشته-----+ -----+
 بند-----+ -----#
 -----x -----x
 رشته-----x -----x
 بند-----x -----#